



دوفصلنامه تاریخ علوم و فناوری دوره اسلامی
سال چهاردهم، شماره‌های اول و دوم، سال ۱۴۰۴
شماره پیاپی: ۲۷ و ۲۸

صاحب امتیاز: مؤسسہ پژوهشی میراث مکتوب
مدیر مسئول: اکبر ایرانی
سرمدبیر: محمد باقری
مدیر داخلی: آرزو اقرلو
اجرای جلد: محمود خانی

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملوفرد

همکاران علمی

حسن امینی * حمید بھلول * پویان رضوانی * فاطمہ سوادى * حنیف قلندری * یونس کرامتی * امیر محمد گبینی
شمامہ محمدی فر * راضیہ سادات موسوی * یونس مہدوی * سجاد نیک فہم خوب روان * زینب کریمیان

مشاوران علمی

یوسف ثبوتی * توفیق حیدرزاده
 محمدابراهیم ذاکر * حسن طارمی * مهدی محقق
 حسین معصومی همدانی * محمدجواد ناطق * سیدحسین نصر
 علی بابایف (جمهوری آذربایجان) * جان لنارت برگرن (کانادا) * گلن وان پروملن (کانادا) * احمد جبار (فرانسه)
 سرگی دمیدوف (روسیه) * رشدی راشد (فرانسه) * جمیل رجب (کانادا) * سری رامولنا ساروما (آلمان)
 ژاک سزایانو (سویس) * جورج صلیبا (امریکا) * حکیم سید ظل الرحمان (هند)
 مصطفی موالدی (سوریه) * یان بیتر هوخندایک (هلند) * میچیو یانو (ژاپن)

تصویر پشت جلد: کاشی سفالی لعابدار دیواری با نقش گل و بته و دورنویس آیت الکرسی (ناقص)، ورامین از سده ۶ یا ۷ هجری (موزه ملی اسکاتلند، ادینبورگ)

نشانی مجله: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و ابوриحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه چهارم، شماره ۱۶
کد پستی: ۹۳۵۱۹-۱۳۱۵۶ تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲ دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir
miraselmi@mirasmaktoob.ir / miraselmi90@gmail.com

بها: ۲۰۰,۰۰۰ تومان



فهرست

۱ | سرسخن

مقاله

- | | |
|-----|--|
| ۳ | نگاهی به زندگی اجتماعی ریاضی‌دانان دوره اسلامی
نرگس عصارزادگان |
| ۳۵ | سیمای رازآلود جابرین حیان
سیدنعمان الحق و امین متولیان |
| ۶۷ | از سمرقند به آناطولی: شرح حال فتح‌الله شروانی
آرزو اقرلو |
| ۷۹ | پارهمتنی دیده نشده از اتولوجیای منتسب به ارسطو
در نسخه خطی تلخیص منطق ابن رشد در ایران
بنفشه افتخاری و تیمور مورل، ترجمه بنفشه افتخاری |
| ۸۹ | جامعه‌شناسی علم در مقدمه ابن خلدون
رضا کیانی موحد |
| ۹۴ | دستگاه‌های خودورز و ترازوها
کنستانتین کانواس، ترجمه حمیدرضا نفیسی- کورس ضیائی |
| ۱۱۹ | نورشناخت در تمدن اسلامی
یوهانس توماس، میرکاظم جلالی |
| ۱۳۹ | ترجمه به‌عنوان یک کنش فرهنگی پایدار و گسترده
سونیا برنتیس، ترجمه افسانه منفرد |
| ۱۴۳ | درآمدی بر خوانش رسالة الضوء ابن هیثم
محمد بن ساسی، ترجمه حامد آرضائی |

یادداشت‌های تاریخی

- | | |
|-----|---|
| ۱۵۱ | اصطلاحات نجومی عربی در متون لاتینی مربوط به اسطرلاب در سده‌های
میانه |
| ۱۵۵ | پل کونیچ، تلخیص و ترجمه انوشه هادزاد
تأسیس شهر بغداد و زایچه آن
یوهانس توماس، ترجمه مهدی نوروزی بخش |

یادنامه

- | | |
|-----|--|
| ۱۵۹ | جایگاه دکتر عبیدالله کریم‌اوف در پژوهش‌های
خاورشناسی ازبکستان
ثریا کریم‌اوا، ترجمه نینا مرتضوی |
|-----|--|

رساله

- | | |
|-----|--|
| ۱۷۲ | گاهنما یا ساعت آفتابی به قلم شیخ موسی نثری همدانی
به‌کوشش مهسا راقب |
|-----|--|



ترجمه به عنوان یک کنش فرهنگی پایدار و گسترده^۱

سونیا برنتیس^۲

ترجمه افسانه منفرد^۳

فراوانی و گستردگی فعالیت‌های ترجمه در جوامع اسلامی

ترجمه‌های متون علمی، پزشکی، فلسفی و علوم خفیه معمولاً به چهار گروه تقسیم می‌شود: (۱) ترجمه از یونانی به سریانی یا عربی؛ (۲) ترجمه از سریانی به عربی؛ (۳) ترجمه از فارسی میانه به عربی و (۴) ترجمه از سانسکریت به عربی. در دوره نخست خلافت عباسیان، از سده اول تا نیمه نخست سده چهارم، به عنوان چارچوب زمانی این ترجمه‌ها در نظر گرفته می‌شود (گرچه ترجمه‌های دیگری از این دست بعدتر نیز انجام شد). بخش عمده‌ای از متون ریاضی، اخترشناسی، طالع بینی، پزشکی و فلسفی یونانی در این زمان به عربی و به میزان کم‌تری به سریانی ترجمه شد، اگرچه همه متون شناخته شده امروزی به این دو زبان سامی ترجمه نشدند. برای نمونه، نبود آثار مهم ارشمیدس (د ۲۱۲ ق م) و بسیاری از آثار افلاطون (د ۳۴۷-۳۴۸ ق م) شاید در اثر عدم دسترسی به آنها به‌ویژه نبودشان در برنامه درسی در اواخر دوران باستان (ارشمیدس) و تغییر رویکرد در میان پژوهشگران سریانی از متون افلاطون به متون دیونوسیوس مجعول آریوپاگی^۴ (اوایل سده ۶ میلادی) باشد (وات^۵ ۲۰۱۳). ظاهراً ترجمه متون فارسی میانه در موضوع‌های تاریخ، ادبیات، خوراکی‌ها و پزشکی به زبان عربی عمدتاً در نیمه دوم سده دوم هجری رخ داده است. با این همه اطلاعات درباره این ترجمه‌ها به روشنی ترجمه‌های انجام شده از یونانی نیست، زیرا ظاهراً بیش‌تر آنها گم شده‌اند. افزون بر این، انتقال متن ترجمه‌های موجود از فارسی میانه

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Sonja Brentjes, "Translation as an enduring and widespread cultural practice", *Routledge Handbook on the Sciences in Islamicate Societies, practices from the 2nd/8th to the 13th/19th centuries*, ed. by Sonja Brentjes, 1st edition, Routledge, 2022.

۲. Sonja Brentjes پژوهشگر تاریخ علم در مؤسسه ماکس پلانک برلین، brentjes@mpiwg-berlin.mpg.de

۳. مؤلف، مترجم و پژوهشگر آزاد، afsanehmonfared55@gmail.com

4. Pseudo- Dionysius the Areopagite

(نویسنده‌ای ناشناس در اواخر سده پنجم و اوایل سده ششم میلادی از اهالی یونان دارای آثار و آرای در کلام مسیحی و فلسفه نوافلاطونی که آثارش را برای اعتبار بخشیدن به آنها به‌عمد به شخصیتی آتی در سده اول میلادی منسوب کرده‌اند).

5. Watt

(پهلوی) پیچیده، متناقض و اغلب پراکنده است. در همین زمان برخی آثار اخترشناسی و طالع بینی و پزشکی از سانسکریت به عربی تقریباً به تمامی در بغداد ترجمه شد. گزارش های تاریخی درباره ترجمه از یونانی به سریانی در جوامع اسلامی اغلب منحصر به سده سوم و چهارم هجری است. با این حال، ترجمه هایی از این دست در سده نخست هجری نیز انجام شد (وات ۲۰۱۳، ۳۷-۳۸)، هرچند از آنجا که این ترجمه ها در محافل رهبانی سریانی صورت می گرفت، اغلب در مباحث مربوط به ترجمه در جوامع تحت حاکمیت مسلمانان نادیده گرفته می شوند. به همین ترتیب، ترجمه های متون دینی و تاریخی از یونانی به سریانی یا عربی، سریانی به عربی یا عربی به یونانی که از قرن اول هجری انجام شده اند، معمولاً از تأملات درباره ترجمه های متون علمی، پزشکی یا فلسفی مستثنی هستند. این دورویکرد این واقعیت را نادیده می گیرند که همه آن ترجمه ها در حاکمیت مسلمانان انجام شده اند و بنابراین به درستی به تاریخ ترجمه در جوامع اسلامی تعلق دارند و مترجمانی متون دینی و تاریخی و همچنین آثار فلسفی یا پزشکی را ترجمه کرده اند (گریفیت^۱ ۲۰۱۳، ۱۲۷).

ترجمه متون علمی، فلسفی، پزشکی یا مربوط به علوم خفیه از عربی به فارسی نو و به عکس به احتمال از اوایل سده پنجم آغاز و از قرن هفتم به بعد پرشمار شده است. آنها در ایران، آسیای مرکزی و آناتولی از اهمیت ویژه ای برخوردار بودند. به موازات این توسعه، متونی نیز به فارسی نوشته و سپس به عربی ترجمه می شدند. ترجمه مطالب درباره روابط سیاسی و حقوقی مغولان و همچنین متون پزشکی، کشاورزی و سایر متون چینی در ایران، بیش تر در تبریز، در زمان سلسله ایلخانی (حک ۶۵۴-۷۳۶) انجام شد. مواردی را که اکنون شناخته شده اند وزیر اعظم، رشیدالدین همدانی (د ۷۱۸ ق) با همکاری مقام دربار مغول، بولاد^۲ [د ۷۱۲ ق؛ السن^۲، ۱۹۹۶] انجام داده است.

مدیرانه نیز منطقه ای بود که به دلیل تماس های مکرر بین دولت ها و جوامع مختلف، از طریق تعاملات تجاری، نظامی و سیاسی و همچنین تغییر مکرر حکومت های مناطق و جزایر به مسیحی و مسلمان، در کنار زیارت، دزدی دریایی و مهاجرت اجباری یا داوطلبانه، بی وقفه نیازمند ترجمه بود. مثلاً نقشه ها و اطلس ها از منابعی به زبان های عربی، لاتینی، یونانی، ترکی عثمانی، کاتالان، گویش های مختلف ایتالیایی، کاستیلیایی، هلندی، فرانسوی و احتمالاً انگلیسی بین سده های هشتم و سیزدهم هجری در ونیز، جنوا، استانبول، طنجه (در مراکش امروزی)، شهر تونس، صفاقس و قیروان (در کشور تونس امروزی)، گلیپولو (در ترکیه امروزی)، قاهره، جزیره کرت و جاهای دیگر گردآوری

1. Griffith
2. Allsen

می‌شد (گودریچ^۱؛ ۱۹۹۰؛ هررا گزایس^۲؛ ۲۰۰۸؛ برنتیس^۳؛ ۲۰۱۳). این نقشه‌ها حاصل فعالیت‌های مختلف ترجمه، شامل انتقال کلمات و جملات از یک زبان به زبان دیگر، تغییر بین نظام‌های اندازه‌گیری و بازنمایی آنها، تبیین دوباره نمادهای فرهنگی مانند درفش‌ها، پرچم‌ها یا نمادهای مذهبی و ادغام و انطباق علانم دریایی بودند و انواع گوناگون تزیینات مبادله و بازسازی می‌شد. سازندگان این نمادهای فرهنگی با انواع مختلفی از طبقه‌بندی‌های جغرافیایی و سیاسی کار می‌کردند که بیانگر خصوصیت یا اتحاد بین حاکمان یا جوامع مذهبی متفاوت بود. این مجموعه گسترده از تعاملات بینا فرهنگی، بارها منجر به تغییر مرزها بین انواع بازنمایی‌های جغرافیایی و گنجاندن داده‌های جدید در نقشه‌سازی می‌شد (برنتیس^۴؛ ۲۰۰۹؛ برنتیس، و دیگران^۵؛ ۲۰۱۴).

ترجمه به زبان‌های عربی، فارسی، سانسکریت، هندی، تامل و دیگر زبان‌های هندی از یک سو و تعامل با پرتغالی، فرانسوی، لاتینی و انگلیسی از سوی دیگر، فعالیت‌هایی است که مشخصه جوامع اسلامی و همسایگان آنها و فاتحان استعمارگر اروپایی در جنوب آسیا در اواخر سده سیزدهم هجری است. آنها نه تنها شامل ترجمه متون پزشکی، ریاضی، اخترشناسی و طالع‌بینی و فلسفی می‌شود، بلکه کتاب‌های مذهبی و آثار مربوط به ابزارها و دستگاه‌های فنی، از جمله انواع سلاح هستند. کتاب‌های حسابداری عملی، تاریخ و متون دیوانی و اداری، سیاسی و نهادی نیز از مرزهای زبانی عبور کردند. قلمرو عثمانی یک دولت گسترده چند قومیتی، چند فرقه‌ای و چند زبانه بود. برخلاف بسیاری از تنظیمات دیگر، خود دولت عثمانی از فعالیت‌های ترجمه به‌ویژه پس از فتح قسطنطنیه در سال ۸۵۷/۱۴۵۳م (پینتو^۶؛ ۲۰۱۱؛ مورودی^۷؛ ۲۰۱۳) و سپس در موج دوم از قرن دهم هجری/شانزدهم میلادی به بعد (گونرگون^۸؛ ۲۰۱۱؛ برنتیس^۹؛ ۲۰۱۴) حمایت می‌کرد. ترجمه‌های دیگر در محافل مرتبط با دربار انجام شد اما نتیجه فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده دولت نبود. نوع سوم ترجمه در محافل علمی انجام شد، اما مانند دیگر دوره‌ها و مناطق ترجمه‌هایی هم وجود دارد که نمی‌توان آنها را به هیچ زمینه و گروه خاصی پیوند داد. به طور کلی، ترجمه‌های عثمانی شامل کتاب‌هایی درباره دنیای جدید، پزشکی پاراسلسوسی^{۱۰}، جغرافیای بطلیموس، کتاب‌هایی درباره لگاریتم‌ها، طالع‌بینی، جدول‌ها و ابزارهای نجومی، فلسفه، ساخت قلعه و اطلس‌ها به دفعات صورت گرفت (احسان اوغلو^{۱۱}؛ گونرگون^{۱۲}؛ ۲۰۱۱؛ هاگن^{۱۳}؛ ۲۰۰۳؛ گودریچ و

1. Goodrich
2. Herrera Casais
3. Pinto
4. Mavroudi
5. Paracelsian medicine

نظامی از طب مبتنی بر آموزه‌ها و اندیشه‌های پاراسلسوس پزشک، شیمی‌دان و فیلسوف سوییسی سده ۱۹م.

6. İhsanoğlu
7. Günergun



همکاران ۱۹۹۰؛ اوزروارلی^۱ (۲۰۱۱)، فعالیت‌های ترجمه به طور قابل توجهی به ظهور ترکی عثمانی به عنوان یک زبان علمی یاری رساند و فرصت‌های بیش‌تری برای مخاطبان خارج از استان‌های عرب‌زبان برای دسترسی به دانش علمی رسمی درباره طبیعت، آسمان، زمین و بدن انسان فراهم کرد. کمی بعد، آثار علمی، پزشکی، فنی و فلسفی نوین اولیه از کشورهای گوناگون مسیحی در اروپا به امپراتوری عثمانی وارد شد. با این که مترجمان اصلی یهودی بودند، برخی از مهاجران مسلمان از اسپانیای مسیحی و پرتغال که بین سال‌های ۱۴۹۲ و ۱۶۱۳ میلادی در چندین موج آماج آزار و اذیت و اخراج قرار گرفته بودند، به کار ترجمه می‌پرداختند. مسیحیان محلی و نوکیشان کشورهای کاتولیک یا پروتستان اروپا نیز در این فعالیت مشارکت داشتند (گارسیا-آرنال^۲ ۲۰۰۹؛ روثمن^۳ ۲۰۱۱؛ احسان اوغلو و دیگران ۱۹۹۷). مسافران دانشمند، مبلغان و سفیران ایتالیا، فرانسه، انگلستان، مجارستان و سرزمین‌های آلمانی، زبان کتاب‌هایی درباره علوم و ابزارهای جدید اروپایی را به پایتخت عثمانی و همچنین به مراکز تجاری چون حلب و شهرهایی چون قاهره که به خاطر تنوع فرهنگی‌شان مشهورند، آوردند.

بسیاری از ترجمه‌ها به سبب برخورداری از پشتیبانی حاکمان، وزیران و با همکاری گویش‌وران به زبان‌های مختلف انجام شد. در طول سده‌های شکل‌گیری جوامع اسلامی، چنین فعالیت‌های مشارکتی مسیحیان سه کلیسا، دو سریانی و یک یونانی، را با وجود تفاوت‌هایشان در باور به دیانت مسیح و همچنین صابئین، زرتشتیان و گروندگان به اسلام و اعراب را همراه کسانی با پیشینه‌های زبانی و دینی دیگر به هم پیوند می‌داد. از دهه‌های ۱۶۰ تا ۲۰۰ هجری شمار اندکی از بوداییان و هندوان هم در آن شرکت کردند (ابن ندیم ۱۹۷۰، ۲۰۱۴). در دوره‌ها و مناطق دیگر، مسلمانان با هندوها، یهودیان با مسلمانان و مسیحیان همکاری می‌کردند و مسلمانان با مسیحیان یا نوکیشان مسیحی از کشورهای کاتولیک یا پروتستان در اروپا تعامل داشتند (سوبرس خان^۴ ۲۰۱۳؛ هاگن ۲۰۰۳؛ پینگری^۵ ۱۹۷۵). در حالی که این تعامل بین گروه‌های مترجم و محقق و حامیان معمولاً در اوایل دوره عباسی در سده‌های دوم و سوم هجری برجسته می‌شود، مورخان علم و فلسفه به‌ندرت راجع به دوره‌های بعدی ترجمه و همکاری بین گروه‌های ترجمه را بحث می‌کنند، گرچه اخیراً کارهای مهمی درباره هند در دوره بابرین و پزشکی جنوب آسیا پدیدار شده است (اسپی‌زیه^۶ ۲۰۱۸، ۲۰۱۹؛ تروشکه^۷ ۲۰۱۶).

1. Özervarli
2. García-Arenal
3. Rothman
4. Sobers-Khan
5. Pingree
6. Speziale
7. Truschke

با نگاهی گسترده‌تر، فعالیت‌های ترجمه در اشکال مختلف و در کل دوره‌ای که به آن پرداخته شده، زندگی روشنفکری در جوامع مسلمانان توسط این فعالیت‌های ترجمه‌ای شکل داده شده است. این فعالیت‌ها در جوامع گوناگون و بسته به زمان و مکان، دست کم به چهل زبان انجام شده‌اند: ترکی آناتولی، عربی، زبان‌های بربری، بوگیس (از زبان‌های رایج در سولاوی اندونزی)، کاستیلیایی، کاتالان، چغتایی، چینی، هلندی، انگلیسی، فرانسوی، فولانی (از زبان‌های رایج در صحرا و غرب و مرکز آفریقا دارای گویش‌های مختلف)، آلمانی، یونانی، هاوسا (از زبان‌های آفریقایی رایج در قسمت‌های شمالی نیجریه، غنا، کامرون، بنین چاد)، عبری، هندی، ایتالیایی، جاوه‌ای، کانمبو (از زبان‌های آفریقایی رایج در چاد و نیجر)، کانوری (رایج در نیجر، چاد، کامرون و جامعه مهاجر کانوری در سودان)، قبچاق، کیسواحلی/سواحلی (از گروه زبان‌های بانتو رایج در تانزانیا، کنیا، موزامبیک و ساحل شرق آفریقا)، لاتینی، مالایی، فارسی میانه، مغولی، فارسی نو، ترکی عثمانی، لهستانی، پرتغالی، روسی، سانسکریت، صربی، سوندانی (از زبان‌های رایج در جاوه و از گروه زبان‌های مالایی-پولینزیایی)، سریانی، تامل، تبتی، اردو و یوروبا^۱ (زبان نیجر-کنگو رایج در غرب آفریقا در مرکز نیجریه، بنین و بخش‌هایی از توگو) (بوندارف^۲ ۲۰۱۴؛ مورگان^۳ ۲۰۱۲؛ ریچی^۴ و وان در پوتن^۵ ۲۰۱۴؛ ریچی ۲۰۱۰؛ هاو ۲۰۱۸). ترجمه‌ها شامل متون ادبی، دینی، مکاتبات سیاسی، وقایع‌نگاری تاریخی، اطلس‌ها، نقشه‌ها، کتابچه‌های فنی و نظامی، واژه‌نامه‌ها، دستور زبان، شعر، ترجمه مکرر متون علمی، پزشکی، فلسفی و علوم خفیه بود. چنان که این فهرست نشان می‌دهد، این فعالیت‌ها در سراسر جهان اسلام از اقیانوس اطلس تا اقیانوس آرام گسترده بود.

مفهوم «جنبش ترجمه»

با وجود غنای فعالیت‌های ترجمه در جوامع مسلمانان در طول بیش از هزار سال، ترجمه‌های متعلق به دو سده نخست عباسیان بیش‌ترین توجه را به خود جلب کرده است. کارهای این دوره عنوان خاص «جنبش ترجمه» گرفته‌اند. با این همه، ملاحظات بسیاری بر ضد تداوم به کارگیری این عنوان هست. از جمله تمرکز تقریباً انحصاری آن بر ترجمه آثار علمی، پزشکی و فلسفی از یونانی به عربی (از طریق سریانی یا غیر آن). در واقع، تنها شمار اندکی از خلیفه‌های عباسی و درباریان، حامیان اصلی این فعالیت‌ها بودند. ضمناً، این رویکرد، ترجمه علوم خفیه و ترجمه‌های

1. Bugis, Castilian, Catalan, Chagatay, Fulani, Hausa, Javanese, Kanembu, Kanuri, Kipčak, Sundanese, Tamil, Yoruba
2. Bondarev
3. Morgan
4. Ricci
5. Van der Putten

ناشناس و پراکنده را نادیده می‌گیرد و همچنین ترجمه از فارسی میانه در علوم ریاضی و از سریانی در فلسفه را کم‌اهمیت نشان می‌دهد. این تصویر بازیگران و نهادهای طرفدار خردگرایی و در همان حال بسیاری از داستان‌های باور به شیاطین، معجزات، گنجینه‌های پنهان یا حکیمان باستانی را که دانش پیش از توفان^۱ را حفظ کرده بودند، نادیده گرفته است. داستان‌هایی که اغلب بازیگران تاریخی بعدی برای مشروعیت بخشیدن و تعیین جایگاه آن علوم گفته‌اند (وان کونینگسولد^۲ ۱۹۹۸؛ پینگری ۲۰۰۱، ۲۰۰۲-۲۰۰۳؛ پینگری و استیل^۳ ۲۰۱۴؛ یوجسوی^۴ ۲۰۰۹).

ماهیت مشکل‌ساز این تاریخ‌نگاری زمانی آشکار می‌شود که در پی کوشش‌های جدی برای بیان ویژگی‌های جنبش ترجمه فرضی از وصف صرف نمونه‌ها فراتر رویم. در حالی که هیچ تاریخ‌نگار علمی، پزشکی و فلسفی با وجود بحث‌های متنوع و فراوان درباره رویدادهای تاریخی تحت این عنوان، نکوشیده است توضیح دهد چرا این عنوان می‌تواند برای نظریه‌پردازی درباره ترجمه‌های واقعی پرشمار در آن سده‌ها و دیدگاه‌های موجود در مورد آن فعالیت‌ها و پیامدهای آن کافی و مناسب باشد، موجزترین سخن درباره ویژگی‌هایی که ظاهراً این مفهوم را مشخص می‌کند، تبیین ع. ا. صبره^۵ (۱۹۲۴-۲۰۱۳) در سال ۱۹۸۷ است:

جنبش ترجمه در اوایل دوره عباسی، امری حاشیه‌ای نبود که توسط چند تن که در تاریکی کار می‌کردند و تهدید به کشف و خنثی شدن می‌شدند، انجام شود. این جنبش عظیمی بود که با حمایت آشکار و فعال خلفای عباسی صورت گرفت و از نظر شدت، گستردگی، تمرکز و هماهنگی هیچ سابقه‌ای در تاریخ خاورمیانه یا جهان نداشته است. کتابخانه‌های بزرگی برای منابع علوم فلسفی ایجاد شد، هیئت‌های سفیرانی برای جست و جوی نسخه‌های خطی یونانی فرستاده شدند و دانشمندانی (مسیحی و صابنی) برای انجام کار ترجمه استخدام شدند، که همه اینها به خواست و تشویق و حمایت‌های مالی و معنوی خلفای عباسی انجام شد (صبره، ۱۹۸۷، ۲۲۸).

از آن زمان تاکنون مقالات پرشمار و چندین کتاب نوشته شده است که به روش‌های گوناگون با روندهایی تحت نام «جنبش ترجمه» سر و کار دارند (گوتاس ۱۹۹۸؛ پینگری ۲۰۰۰؛ پینگری ۲۰۰۱-۲۰۰۲؛ راشد ۲۰۰۶، ۲۰۱۱، ۲۰۱۵؛ صبره ۱۹۹۶؛ صلیبا ۱۹۹۸، ۲۰۰۲، ۲۰۰۷؛ رجب ۲۰۱۷؛ واگل پوهل^۶ ۲۰۰۹؛ وات ۲۰۱۳؛ یوجسوی ۲۰۰۹). شماری از آنان نظرات گفته صبره،

۱. پیش از توفان Flood stories مجموعه حماسی و پرتطرفدار فانتزی نوشته براندون ساندerson و مجموعه‌ای از نظام‌های جادویی منحصر به فرد و داستان‌های چندلایه و شخصیت‌های پیچیده است.

2. Van Koningsveld

3. Steele

4. Yücesoy

5. A. I. Sabra

عبدالحمید ابراهیم صبره تاریخ‌نگار مصری علم، استاد دانشگاه هاروارد؛ درباره او بنگرید به: میراث علمی، سال سوم، شماره اول (شماره پیاپی ۵)، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۱۵۲-۱۵۵.

6. Vagelpohl

به‌ویژه تأکید بر ترجمه‌های یونانی-عربی را می‌پذیرند؛ اما برخی این تمرکز بر آثار رسمی و اواخر دوره باستان را مستقیم (پینگری ۲۰۰۵؛ یوجسوی ۲۰۰۹) یا غیر مستقیم (گوتاس ۱۹۹۸) به چالش کشیده‌اند. با این حال به‌طور کلی، بیش‌تر روایات این فعالیت‌های ترجمه، به بزرگداشت مجموعه رویدادهای یکسان، ساده‌سازی، نهادینه و امروزی کردن آنها تمایل دارند.

در واقع، ادعای صبره مبنی بر اینکه جنبش ترجمه در دوره عباسیان «در تاریخ خاورمیانه یا جهان سابقه نداشته است» از نظر تاریخی نادرست است. ترجمه متون بودایی به زبان چینی و زبان‌های دیگر شرق و جنوب شرق آسیا زودتر آغاز شد و دست کم از نظر اهمیت فرهنگی یکسان بود. به همین ترتیب، ترجمه‌های پیشین دانش سومری به اکدی تأثیر طولانی مدتی بر زمینه‌های پرشمار دانش در سراسر خاور نزدیک، باستان و فراتر از آن تا مصر، یونان، روم، ایران و جنوب و مرکز آسیا داشت (خوان مین^۱ و یوناجیان^۲ ۲۰۰۹؛ کریستوستومو^۳ ۲۰۱۹).

باور به محدودیت جنبش ترجمه در زمان و مکان خاص، موانعی برای بررسی فعالیت‌های ترجمه‌ای پدید آورده است که در محافل دیگر انجام می‌شد و حامیان دیگری با اهداف دیگر از آن حمایت می‌کردند. چند نمونه که وجود انواع مختلف برنامه‌های ترجمه را از سده اول تا اوایل سده پنجم هجری برجسته می‌کند، توسط صبره بررسی شده است (صبره ۱۹۹۶، ۶۵۵). صبره پیشنهاد کرد که تمام سده سوم هجری به عنوان مرحله‌ای از طرح‌های گوناگون توسط افراد مختلف در نظر گرفته شود. در همین زمینه، مورلون^۴ آثار نجومی ثابت بن قره (د ۲۸۸ق) را به عنوان آثاری که کاملاً مهر و نشان ویژه او را دارند، در نظر گرفت. سیدولی و ایسایاها^۵ بر بازنگاری فعال ثابت بن قره بر معطیات اقلیدس در حین ترجمه آن تأکید کردند. راشد مطالعات بنو موسی (سده سوم هجری) را از پژوهش‌های ابواسحاق کندی ([د حدود ۲۵۶ق]؛ راشد ۲۰۱۲، ۲) متمایز کرد، به عقیده آدامسون دسته بزرگی از ترجمه‌های مترجمان و کاتبان مسیحی و یهودی برای کندی را باید نتیجه رشد فکری او به عنوان یک فرد خودآموخته دانست (آدامسون^۶ ۲۰۰۶، ۱۰-۱۲) و ترجمه‌های قسطا بن لوقا (د حدود ۲۹۹ق) از متون ریاضی برای احمد پسر خلیفه معتصم بالله (حک ۲۱۸-۲۲۷ق) را می‌توان نتیجه سال‌هایی دانست که کندی معلم فلسفه و ریاضی احمد بوده است. همه این موارد نافی این رأی است که یک جنبش واحد ناشی از سیاست‌های خلافت یا پدید آمده کاتبان حرفه‌ای غیرعرب و غیرمسلمان به عنوان پاسخی به ادعای از دست دادن موقعیت‌ها در دولت خلافت وجود داشته است (گوتاس ۱۹۹۸؛ صلیبا و دیگران ۲۰۰۷، ۴۹-۵۰، ۵۲-۶۴، ۷۱).

1. Xuanmin
2. Yunajian
3. Crisostomo
4. Morelon
5. Sidoli and Isahaya
6. Adamson

نامیدن این طرح‌های مختلف ترجمه به یک جنبش، مستلزم شاهی است که نشان دهد آنها به گونه‌ای هماهنگ بوده‌اند تا بیش‌تر نشان‌دهنده خواسته‌ها، نیازها یا علایق افراد یا محافل کوچک‌تر. معذک، چنین شاهی یا گم شده یا کاملاً قانع کننده نیست.

نمونه‌های پیشین طرح‌های ترجمه‌های فردی را می‌توان به راحتی در فعالیت‌های درباریان و پژوهشگران سده دوم یافت. گفته می‌شود ابن مقفع (د ۱۴۲ق) متونی را در زمینه منطق، سیاست و تاریخ ترجمه کرده است. حمایت برمکیان از ترجمه متون نجومی، پزشکی و احتمالاً هندسه نمونه‌های دیگری است. به همین ترتیب حامیانی همچون طاهر بن حسین (د ۲۰۷ق) از ترجمه‌ها در مورد فضایل و رذایل از ارسطوی مجعول^۱ و مقدمه‌ای بر حساب نیکوماخوس^۲ (د حدود ۱۲۰م) حمایت کردند. اولی متعلق به مجموعه کوچکی از متون است که در سده‌های ۶ و ۷ میلادی از یونانی به سریانی و نیز ارمنی ترجمه شده بود. این مجموعه همچنین شامل درباره کیهان ارسطوی کاذب، مقدمه [بر مقولات] پورفیری^۳ (د حدود ۳۰۵م)، مقالات الاسکندر افرودیسی^۴ فی القول فی مبادی الککل بحسب رأی ارسطاطالیس الفیلسوف از اسکندر افرودیسی (اواخر سده دوم و اوایل سده سوم میلادی) است که اکنون تنها ترجمه عربی آن در دست است (کینگ^۵ ۲۰۱۰؛ اسکندر افرودیسی ۲۰۰۱). دست‌نوشته شماری از ترجمه‌ها و اقتباس‌های سریانی آن نیز باقی است (دست‌نوشته لندن، کتابخانه بریتانیا، ضمیمه ۱۴۵۶۸، کینگ ۲۰۱۰).

برگردان عربی اثر اسکندر افرودیسی درباره جهان، جزیی از مجموعه ترجمه‌هایی است که برای کندی انجام شده و به آثار جهان‌شناسی کندی مربوط می‌شود به شیوه‌ای که فازو^۶ و ویسینر^۷ آن را به عنوان یک مؤخره و مقدمه میان ترجمه و یک تألیف جدید وصف می‌کنند. پیش از اینکه تمام این طرح‌ها را در فرآیند اجتماعی در نظر بگیریم که شایسته عنوان جنبش به شیوه‌ای معنادار و غیر تقلیل‌گرایانه باشد، به مطالعاتی درباره شبکه‌های علمی و حمایتگر نیاز است که نشان دهد چه کسی و به چه شیوه‌ای با دیگری تعامل داشته و چه اهدافی را با چه ابزاری دنبال کرده است، مطالعاتی که تا کنون انجام شده است. اما حتی اگر تحقیقات آینده هماهنگی بین برخی از این شبکه‌ها و بازیگران را نشان دهد، باز هم ترجمه‌های زیادی باقی می‌ماند که مترجمان، حامیان، متون و شرایط تحقق آن‌ها دانسته نیست. بدین سبب، اثبات وجود یک جنبش در قیاس با فعالیت‌های متعدد جداگانه همیشه دشوار خواهد بود.

1. Pseudo-Aristotle
2. Nicomachus
3. Porphyry
4. Alexander of Aphrodisias
5. King
6. Fazzo
7. Wiesiner

غیر از این پرسش که آیا اندیشیدن به ترجمه‌های دوره‌عباسی زیر عنوان «جنبش» توجیهی دارد، مسایل دیگری نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در شناسایی آغاز «جنبش» با ترجمه متون فارسی میانه (پهلوی) در دربار خلیفه منصور (حک ۱۳۶-۱۵۸ق) و مبنای احتمالی آنها در جهان‌بینی سلسله ساسانی (حک ۲۲۴-۶۵۱م) که بیش از یک سده پیش به پایان رسیده بود، گوتاس (۱۹۹۸) هم بر اساس ادعاهای صریح و هم بر اساس پذیرش محض عمل می‌کند. به دلیل محدودیت فضا، تنها درباره یک ادعای صریح بحث می‌کنیم. این مربوط به وجود یک جهان‌بینی سلطنتی است که ترجمه بینا فرهنگی را کالای فرهنگی اولیه‌ای ترویج می‌کرد تا آسیب‌هایی را که اسکندر مقدونی (حک ۳۲۳-۳۳۶ ق م) دانش عهد شاهنشاهی هخامنشی (۵۵۰-۳۳۰ ق م) وارد کرده بود جبران کند (گوتاس ۱۹۹۸، ۳۴-۴۵). سرچشمه باور گوتاس به جهان‌بینی ساسانی متأخر، از این نوع، کتاب دینکرد به فارسی میانه است که مغان زرتشتی در سده سوم هجری آن را تدوین و بازنگری کرده بودند (دینکرد ۱۸۷۴-۱۹۲۸؛ رضانیا ۲۰۱۷، ۳۳۷-۳۳۸). با این همه، مطالب دینکرد به عنوان مدرک برای فرضیه گوتاس مشکل ساز است. مباحثات اخیر مورخان ایران ساسانی و متون پهلوی نشان می‌دهد که همه دینکرد بازتولید مطالب پیش از اسلام نیست: برخی از محتوای آن نشان دهنده تحولات فکری و جهان‌بینی پیرامون دربار عباسی در زمان تدوین آن است. مثلاً شامل پاسخ‌های یکی از مؤلفان زرتشتی به پرسش‌گران زرتشتی و مسیحی است (رضانیا ۲۰۱۹، ۳۳۸). بار د تفسیرهای پیشین از دینکرد در جایگاه دانشنامه‌ای زرتشتی، رضانیا آن را دفاعیه‌ای در خدمت مجادلات بین ادیان بر ضد متکلمان مسلمان می‌داند (رضانیا ۲۰۱۷، ۳۳۹). بر خلاف رضانیا، دیونگ^۱ (۲۰۱۵) همچنان بخشی از دینکرد (کتاب چهارم) را که گزارشی از تدوین کتاب دینی زرتشتی است، محصول اوایل سده ششم میلادی می‌داند (دیونگ ۲۰۱۵، ۹۹). از دیگر سو، او رابطه بین دربار ساسانیان متأخر و مغان زرتشتی را به عنوان تغییر مداومی وصف می‌کند که در پاسخ به چالش‌های خارجی و داخلی دینی، سیاسی و اجتماعی با پیامدهای عمیقی برای خود دیانت زرتشتی رخ می‌داد (دیونگ ۲۰۱۵، ۹۶-۱۰۰؛ همچنین بنگرید به ص ۹۴ برای تفسیر او از نگاه منفی زرتشتی به اسکندر). به عبارت دیگر، وجود یک جهان‌بینی واحد و دارای ساختار روشن از ترجمه بینا فرهنگی در حاکمیت ساسانی متأخر دست کم مورد تردید است.

فعالیت‌ها و نتایج ترجمه به حاشیه رانده شده

روایت «جنبش» ترجمه، مجموعه‌های کاملی از ترجمه‌ها به عربی و زبان‌های دیگر را به حاشیه

1. De Jong

رانده یا نادیده گرفته است. از جمله نوشته‌هایی درباره علوم خفیه، ترجمه‌های ناشناخته، ترجمه قطعات، اطلاعات تاریخی و آموزه‌های دینی. همه اینها باید بخش‌های مهمی از زندگی علمی، اداری، سیاسی و تجاری در حاکمیت مسلمانان در نظر گرفته شود.

علاوه بر این، فعالیت‌های دیگری در ترجمه وجود دارد که جز موارد نادر هرگز جزو مباحث درباره «جنبش» ترجمه به حساب نمی‌آید. جوامع علمی که در اواخر دوران باستان تأسیس شدند و بعدها حاکمان مسلمان آنها را اداره می‌کردند، همچنان مشغول به انجام انواع گوناگون ترجمه بودند. کشیش‌های مسیحی در بغداد، قسطنطنیه و چندین صومعه در قلمرو عباسیان گزارش‌های تاریخی و سیاسی رد و بدل می‌کردند و آنها را از سریانی یا یونانی به عربی و به‌عکس برای یکدیگر ترجمه می‌کردند (هوئلند^۱ ۱۹۹۱، ۲۱۳، ۲۱۹-۲۲۳، ۲۲۶). دانش درباره قرآن با تاریخ‌نگاران سریانی به اشتراک گذاشته شد. نوکیشان مسیحی که علاوه بر عربی، سریانی می‌دانستند، برای معرفت درباره متون جعلی چون کتاب‌های دانیال مشهور بودند و مجموعه مهمی از مطالب برای ادبیات نجومی و جادویی به عربی پدید آوردند (هوئلند ۱۹۹۱، ۲۲۶-۲۲۷؛ سزگین^۲ ۱۹۷۹، ۷، ۳۱۸-۳۱۳). فرقه‌های گوناگون مسیحی و یهودی ساکن در سرزمین‌های مسلمان نیز متون دینی را از عربی، آرامی، سریانی، قبطی و یونانی ترجمه می‌کردند (گریفیت^۳ ۲۰۱۳، ۱، ۱۲۷).

محدودیت دیگر مباحث درباره جنبش ترجمه در این پذیرش خاموش است که مترجمان متون یونان باستان، از جمله حنین بن اسحاق (د ۲۵۹ق) کار خود را به متون پزشکی، فلسفی یا ریاضی محدود کردند. حال آنکه حنین بن اسحاق اثر ارسطویی جعلی در موضوع تنکاشناسی (فیزیولوژی) را ترجمه کرده و اعتقاد بر این است که متون یا آثاری با محتوای نجومی هم ترجمه و بازنویسی کرده است (سزگین، ۱۹۷۹، ۷، ۱۳۴، ۳۲۸، ۱۴). در واقع، بنا بر منابع تاریخی و علمی عربی بسیار محتمل است که حنین رساله‌هایی در موضوعاتی نظیر علوم خفیه و اختربینی ترجمه کرده باشد (سزگین، ۱۹۷۹، ۷، ۶۵). مطالعات وایسر^۴ درباره دو متن از این دست منسوب به بالیناس^۵ یا آپولونیوس تیانیایی جعلی^۶ تأیید می‌کند که حنین در ترجمه‌هایی از این نوع شرکت داشته و در آثارش از آپولونیوس جعلی نقل کرده است (سزگین ۱۹۷۹، ۷، ۶۶، وایسر ۱۹۸۰، ۲۷). اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا همین امر درباره دیگر مترجمان سده سوم و نهم نیز صادق است. ترجمه آثار مربوط به علوم خفیه و اختربناسی مجموعه‌ای از مشکلات مطرح می‌کند که درباره

1. Hoyland
2. Sezgin
3. Griffith
4. Waissner
5. Bālinās
6. Pseudo-Apollonius

دیگر دانش‌ها کمتر مطرح می‌شود یا اصلاً صدق نمی‌کند. ناشناس بودن بیش‌تر مترجمان آنها تاریخ‌گذاری و تعیین پیشینه این آثار را دشوار می‌سازد. برخی به دانشمندان نامی باستان مانند فیثاغورس، بقراط، افلاطون، ارسطو یا بطلمیوس و یا پیامبرانی مانند زرتشت، شیث، عزرا، دانیال و هرمس یا به شاهانی چون اسکندر مقدونی نسبت داده شده‌اند که آشکارا نویسنده آنها نیستند (یعنی انتساب این آثار جعلی است). برخی از ترجمه‌های آنها به عربی پیش‌تر و به سده اول، اواسط یا بعد از سده دوم هجری منسوب است. ادعاهایی هم شده که ترجمه به پهلوی به دستور شاهانی پیش‌تر در سده سوم میلادی رخ داده است. داستان‌های اعجاب‌آوری از پیدایش و جایگزینی در شماری از آن متون دیده می‌شود و بیش‌تر نسخه‌های موجود از چنین آثاری بسیار اندک مورد مطالعه دانشگاهی قرار گرفته‌اند (سزگین ۱۹۷۱، ۴، ۱۱۱-۱۱۲؛ ۱۹۷۴، ۷، ۳۲-۶۷، ۳۱۳-۳۱۷). برخی از این مسائل تاریخ خاص خود را دارند که به مدت‌ها پیش از جوامع مسلمان باز می‌گردد. تاریخ متناقض و ناقص آنها و نیز تاریخ‌نگاری اغلب غیر قابل اعتماد، کوشش‌ها برای مرتبط کردن زمینه‌های آنها با شرایط تاریخی مشخص در دوره‌های اموی و اوایل دوره عباسی را پیچیده می‌کند و به این ترتیب فهم ما از فعالیت‌های ترجمه بین سده اول و نیمه اول سده چهارم همواره به شدت محدود خواهد ماند.

منابع

- Alexander of Aphrodisias. ed. and tr. Genequand, J. 2001. *Alexander of Aphrodisias on the Cosmos. Arabic Text with English Translation, Introduction and Commentary* (Islamic Philosophy, Theology and Science. Texts and Studies 44) Leiden, Boston and Köln: Brill.
- Dēnkard. ed. and tr. Sanjana, P. 1874–1928. *The Dīnkard. The Original Pahlavi Text; the Same Transliterated in Zend Characters; Translations of the Text in the Gujarati and English Languages; a Commentary and a Glossary of Select Terms*. Vols. I–XIX. Bombay: Kegan Paul, Trench, Trübner & Co.
- Euclid. ed., tr. and ann. Besthorn, R. O. and Heiberg, J. 1893. *Codex Leidenensis 399,1. Euclidis Elementa ex interpretatione al-Hadschdschadschii cum commentariis al-Narizii*. Partis 1 Fasciculus 1. Copenhagen: In Libraria Gyldendaliana.
- Hunayn ibn Ishāq. ed. and tr. Bergsträsser, G. 1925. *Über die syrischen und arabischen Galen-Übersetzungen* [About the Syriac and Arabic Translations of Galen]. *Abhandlungen für die Kunde des Morgenlandes* 17.2.

نسخه خطی

MS London, British Library, Add. 14568.

پژوهش‌های انجام شده

- Adamson, P. 2006. *Al-Kindī*. Oxford: Oxford University Press.
- Allsen, T. T. 1996. "Biography of a Cultural Broker: Bolad Ch'eng-Hsiang in



- China and Iran,” in Raby, J. and Fitzherbert, T., eds. *The Court of the Ilkhans 1290–1340*. Oxford: Oxford University Press, 7–22. Bibliography
- Bondarev, D. 2014. “Old Kanembu and Kanuri in Arabic Script: Phonology Through Graphic System,” in Mumin, M. and Versteegh, K., eds. *The Arabic Script in Africa*. Studies in the Use of a Writing System (Studies in Semitic Languages and Linguistics 71). Leiden and Boston: Brill, 107–40.
- Brentjes, S. 2009. “Cartography in Islamic Societies,” in Kitchin, R. and Thrift, N., eds. *International Encyclopedia of Human Geography*. 2 vols. Oxford: Elsevier, 1: 414–27.
- Brentjes, S. 2013. “Giacomo Gastaldi’s Maps of Anatolia: The Evolution of a Shared Venetian-Ottoman Cultural Space?” in Contadini, A. and Norton, C., eds. *The Renaissance and the Ottoman World*. Farnham, Surrey: Ashgate, 123–41.
- Brentjes, S. 2014. “On Abū Bakr al-Dimashqī’s (d. 1691) Hemispheric Map of the New World and the Representation of the Seas in His Maps of the World and the Continents,” in Couto, D., Günergun, F. and Pedani, M. P., eds. *Seapower, Technology and Trade. Studies in Turkish Maritime History*. Istanbul: Piri Reis University Publications, 398–411.
- Brentjes, S., Fidora, A. and Tischler, M. M. 2014. “Towards a New Approach to Medieval Cross-Cultural Exchanges,” *Journal of Transcultural Medieval Studies* 1.1: 9–50.
- Crisostomo, C. J. 2019. *Translation as Scholarship: Language, Writing, and Bilingual Education in Ancient Babylonia* (Studies in Ancient Near Eastern Records 22). Berlin: De Gruyter.
- Fazzo, S. and Wiesner, H. 1993. “Alexander of Aphrodisias in the Kindī-Circle and in al-Kindī’s Cosmology,” *Arabic Sciences and Philosophy* 3.1: 119–53.
- García-Arenal, M. 2009. *Ahmad al-Mansur: The Beginnings of Modern Morocco*. Oxford: Oneworld Publications.
- Goodrich, T. 1990. *The Ottoman Turks and the New World. A Study of Tarih-i Hind-i Garbi and Sixteenth-Century Ottoman Americana*. Wiesbaden: Otto Harrassowitz.
- Griffith, S. H. 2013. *The Bible in Arabic. The Scriptures of the “People of the Book” in the Language of Islam*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Günergun, F. 2011. “The Ottoman Ambassador’s Curiosity Coffers: Eclipse Prediction with De La Hire’s ‘Machine’ Crafted by Bion in Paris,” in Günergun, F. and Raina, Dh., eds. *Science Between Europe and Asia* (Boston Studies in the Philosophy of Science 275). New York: Springer, 103–23.
- Haw, S. G. 2018. “The Persian Language in Yuan Dynasty China: A Reappraisal.” <http://www.eastasianhistory.org/39/haw>. (Accessed 26 July 2018).
- Herrera Casais, M. 2008. “The 1413–14 Sea Chart of Aḥmad al-Ṭanjī,” in Calvo, E. et al., eds. *A Shared Legacy: Islamic Science East and West. Homage to Prof. J. M. Millàs Vallicrosa*. Barcelona: Universitat de Barcelona, 283–307.
- Hoyland, R. G. 1991. “Arabic, Syriac and Greek Historiography in the First Abbasid Century: An Inquiry into Inter-Cultural Traffic,” *Aram* 3.1–2: 211–33.
- Jong, A. de. 2015. “Religion and Politics in Pre-Islamic Iran,” in Stausberg, M., Vevaina, Y. S.-D. and Tessmann, A., eds. *The Wiley Blackwell Companion to Zoroastrianism*. Oxford: Wiley Blackwell, 85–102.
- King, D. 2010. “Alexander of Aphrodisias’ On the Principles of the Universe in Its





- Syriac Adaptation," *Le Muséon* 123: 157–89.
- Koningsveld, P. S. van. 1998. "Greek Manuscripts in the Early Abbasid Empire: Fiction and Facts about Their Origin, Translation and Destruction," *Bibliotheca Orientalis* 55.3–4: 345–72.
- Mavroudi, M. 2013. "Translators from Greek into Arabic at the Court of Mehmet the Conqueror," in Ödekan, A., Necipoğlu, N. and Akyürek, E., eds. *The Byzantine Court: Source of Power and Culture*. Istanbul: Koç University Press, 195–207.
- Morgan, D. O. 2012. "Persian as a Lingua Franca in the Mongol Empire," in Spooner, B. and Hanaway, W. L., eds. *Literacy in the Persianate World: Writing and the Social Order*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 160–70.
- Özervarlı, M. S. 2011. "Yanyalı Esad Efendi's Works on Philosophical Texts as Part of the Ottoman Translation Movement in the Early Eighteenth Century," in Schmidt-Haberkamp, B., ed. *Europa und die Türkeiim 18. Jahrhundert/Europe and Turkey in the 18th Century*. Göttingen: V&R unipress, Bonn University Press, 457–72.
- Pingree, D. 1975. "Al-Bīrūnī's Knowledge of Sanskrit Astronomical Texts," in Chelkowski, P. J., ed. *The Scholar and the Saint: Studies in Commemoration of Abu'l-Rayhan al-Biruni and Jalal al-Din al-Rumi*. New York: NYU Press, 67–81.
- Pingree, D. 2000. "Cultures of Ancient Science: Some Historical Reflections. Hellenophilia Versus the History of Science," in Shank, M. H., ed. *The Scientific Enterprise in Antiquity and the Middle Ages*. Readings from Isis. Chicago: Chicago University Press, 30–9.
- Pingree, D. 2001–2002. "From Alexandria to Baghdad to Byzantium: The Transmission of Astrology," *International Journal of the Classical Tradition* 8: 3–37.
- Pingree, D. 2002–2003. "The Sabians of Harran and the Classical Tradition," *International Journal of the Classical Tradition* 9: 8–35.
- Pingree, D. 2005. "Mashallah's Zoroastrian Historical Astrology," in Oestmann et al., eds. [CB], 95–100.
- Pingree, I. and Steele, J., eds. 2014. *Pathways into the Study of Ancient Sciences: Selected Essays by David Pingree*. Philadelphia: American Philosophical Society.
- Pinto, K. 2011. "The Maps Are the Message: Mehmet II's Patronage of an 'Ottoman Cluster'," *Imago Mundi* 63.2: 155–79.
- Ragab, A. 2017. "'In a Clear Arabic Tongue': Arabic and the Making of a Science-Language Regime," *Isis* 108.3: 612–20.
- Rashed, R. 2006. "Greek into Arabic: Transmission and Translation," in Montgomery, J. E., ed. *Arabic Theology, Arabic Philosophy, From the Many to the One: Essays in Celebration of Richard M. Frank* (Orientalia Lovaniensia Analecta 152). Louvain: Peeters, 157–96.
- Rashed, R. ed. el-Bizri, N. 2012. *Founding Figures and Commentators in Arabic Mathematics. A History of Arabic Sciences and Mathematics*. Vol. 1. London and New York: Routledge.
- Rezania, K. 2017. "The Dēnkard Against Its Islamic Discourse," *Der Islam* 94.2: 336–62.
- Ricci, R. 2010. "Islamic Literary Networks in South and Southeast Asia," *Journal*



- of *Islamic Studies* 21.1: 1–28.
- Ricci, R. and van der Putten, J., eds. 2014. *Translation in Asia: Theories, Practices, Histories*. New York and London: Routledge.
- Rothman, E. N. 2021. *The Dragoman Renaissance: Diplomatic Interpreters and the Routes of Orientalism*. Ithaca: Cornell University Press.
- Sabra, A. I. 1996. “Situating Arabic Sciences: Locality Versus Essence,” *Isis* 87: 654–70.
- Saliba, G. 1998. *Al-Fikr al-‘ilmī al-‘arabī; nash’atuhu wa-taṭawwaruhu*. Balamand: Balamand University.
- Saliba, G. 2002. “Greek Astronomy and the Medieval Arabic Tradition,” *American Scientist* 90.4: 360–7.
- Sezgin, F. 1971. *Geschichte des arabischen Schrifttums*. Vol. 4: *Alchimie – Chemie – Botanik – Agrikultur bis ca. 430 H*. Leiden: Brill.
- Sezgin, F. 1979. *Geschichte des arabischen Schrifttums*. Vol. 7: *Astrologie – Meteorologie und Verwandtes bis ca. 430 H*. Leiden: Brill.
- Sobers-khan, N. 2013. “East-West Knowledge Transfer in Mughal India,” https://britishlibrary.typepad.co.uk/asian-and-african/2013/02/east-west-knowledge-transfer-in-mughal-india.html?_ga=2.94942940.1775040819.1562353033-405453899.1562353033 (Accessed 26 July 2018).
- Speziale, F. 2018. *Culture persane et médecine ayurvédique en Asie du Sud*. Leiden: Brill.
- Speziale, F. 2019. “Rasāyana and Rasaśāstra in the Persian Medical Culture of South Asia,” *History of Science in South Asia* 7: 1–41.
- Truschke, A. 2016. *Culture of Encounters: Sanskrit at the Mughal Court*. New York: Columbia University Press.
- Vagelpohl, U. 2009. “The Abbasid Translation Movement in Context. Contemporary Voices on Translation,” in Nawas, J., ed. *Abbasid Studies II. Occasional Papers of the School of Abbasid Studies*. Leuven, 28 June – 1 July, 2004. Leuven: Peeters, 245–67.
- Watt, J. W. 2013. “The Syriac Aristotle between Alexandria and Baghdad,” *Journal for Late Antique Religion and Culture* 7: 26–50.
- Weisser, U. 1980. Das “*Buch über das Geheimnis der Schöpfung*” von Pseudo-Apollonios von Tyana. *Ars Medica: Abteilung 3, Arabische Medizin*, Band 2. Berlin and New York: De Gruyter.
- Xuanmin, L. and Yunajian, H. 2009. *Translating China* (Topics in Translation). Bristol, North York, ON and Tonawanda, NY: Multilingual Matters.
- Yücesoy, H. 2009. “Translation as Self-Consciousness: Ancient Sciences, Antediluvian Wisdom, and the Abbasid Translation Movement,” *Journal of World History* 20.4: 523–57.

